

واکنش برخی از چهره‌های سیاسی به وقایع اخیر

وقایع چند ماه ابتدایی نیمه دوم از آن جهت حائز اهمیت است که عیار مسئولیت‌پذیری جریان‌های سیاسی را بیش از پیش نمایان ساخت. شخصیت‌هایی که یا به واسطه سردمداری یک جریان سیاسی و یا وابستگی متقابل با آن جریان به نوعی مسئول آنچه کشور با آن مواجه هست نیز هستند.

خاتمی و عدم پذیرش مسئولیت



رسید محمد خاتمی یکی از این شخصیت‌هاست. شخصیتی که گاه به عنوان رهبر جریان اصلاحات نیز از او یاد می‌شود. خاتمی در همان روزهای اول شروع ناآرامی‌ها و در ۲۵ شهریور اولین واکنش خود را اعلان کرد و در صفحه توئیتر خود نوشت: باز هم فاجعه‌ای ناگوار که درد آن تا مغز استخوان را می‌سوزاند! طبق اخبار، دختر خاتمی با ادعای پوشش نامناسب بازداشت و در جریان بازداشت و انتقال دچار جراحات و عارضه قلبی و مغزی می‌شود! آیا این فاجعه و رویدادهای پرتکرار مشابه آن کافی نیست که برای خدا، برای آبروی اسلام و رعایت انتظارات به حق مردم و حال بدی که در تنگناهای معیشتی و مواجهه با انواع فسادهای ویرانگر و ناکارآمدی‌ها دارند، از این شیوه و رفتارهای خلاف قانون، منطق و شرع دست برداشته شود و بیش از این زمینه مشوه شدن چهره اسلام و نظام را فراهم نیاورند و با پدیدآوردن‌گان این حوادث برخورد مناسب صورت گیرد؟! نقد شیوه مواجهه با بدحجاب و بی‌حجاب در این مقاله نمی‌کنجد ولی درخصوص تنگناهای معیشتی و فسادهای ویرانگر، رسید محمد خاتمی خود را درحالی از مقام پاسخگویی میرا می‌داند که هنوز ذهن افکار عمومی از خاطره تلاش خاتمی برای رأی‌آوری رئیس جمهور سابق خالی نشده است. سال‌هایی که به گواه آمار چه در حوزه ارقام اقتصادی چون تورم و

حق هر انسانی است و بهزیستن انسان‌ها باید هدف و رسالت نظام‌ها و حکومت‌ها باشد. ملاک ارزیابی یک نظام و یک حکومت این است که تا چه حد زمینه بهزیستی مردم را فراهم می‌آورد. تقاضای زندگی خوب، امن و عادلانه از سوی مردم، تقاضای طبیعی است و اگر ببینند شرایط این زندگی فراهم نیست، حق دارند انتقاد و حتی اعتراض کنند. ولی در همه حال انتقاد و اعتراض باید متوجه نفی خسونت هم باشد.

خاتمی در این بیانیه خود به هیچ عنوان از کلمه تروریسم استفاده نمی‌کند و تلاش دارد که این حمله تروریستی را هم در چارچوب اعتراضات مورد ادعای خود تقسیم‌وفردی که زنان و کودکان را در صحن و باترگاه شاهچراغ به خاک و خون کشید، در حد یک «معترض خشن» تقلیل دهد. خاتمی در غالب اظهار نظرات چند ماه گذشته خود به نوعی سعی دارد تا منویات سابق خود و جریان سیاسی‌اش را تکرار کند و با ادبیاتی مشفقانه و بدون پذیرش ذرهای مسئولیت ۸ سال ریاست جمهوری خود و ۸ سال ریاست جمهوری رئیس جمهور تحت حکایت خود در شرایط کنونی کشور، همه مشکلات را به چارچوب و قالب نظام پاس دهد به طریقی همان مثل قدیمی بگوید: «اتاق کج است». خاتمی در عین اینکه منتقد است اصلاحات به بن بست رسیده، براندازی را دارای هزینه برای مردم می‌داند و مخالف آن است.

موسوی و براندازی مبهم



موسوی اما برعکس خاتمی رسماً از براندازی صحبت و برای آن سه گام برای آن مطرح می‌کند ولی بلافاصله می‌گوید: «این پیشنهاد با ابهاماتی همراه است. کمترین آنکه چه کسی قرار است آن را بپذیرد یا به اجرا بگذارد. از آن بالاتر چه باید کرد تا ۴۰ سال بعد از نو به همین نقطه باز نگردیم و از سوی آیندگان سرزنش نشویم. آن مبرم‌تر، چگونه به توانایی مان برای عبور از این مرحله ایمان بیاوریم.» بعدتر می‌گوید: «رفع این ابهامات نیاز به تأمل و همکاری دارد؛ برای نجات ایران، آن مادری که از او طفلی به نام شادی گم شده است، با چشم‌های روشن برق، با کیسوی بلند به بالای آرزو. هر کس از نشانی دارد ما را کند خبر. این هم نشان ما: یک سو خلیج فارس، سوی دگر خزر.» بیانیه موسوی را می‌توان به طور خلاصه در یک جمله خلاصه کرد و آن اینکه «می‌خواهم جمهوری اسلامی نباشد ولی نمی‌دانم چه چیزی باید باشد» و این یعنی همان تخلیه انقلاب اسلامی از محتوایی بود که موسوی در سال ۸۸ پیگیری نمود. آن زمان که بدون هیچ سند و ادله‌ای، می‌خواست بزرگترین میراث و محتوای انقلاب اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی را به ادعای تقلب به باد فنا دهد.

علی لاریجانی؛ تحلیل جایگاه حجاب



علی لاریجانی نیز که اکنون در میانه جناح‌های سیاسی نقش بازی می‌کند و او را نه اصلاح‌طلب و اصولگرا می‌توان نامید، در این باره نظرانی میانه داد. لاریجانی با اشاره به قوت مهسا امینی می‌گوید: «با گزارشی که درباره علت فوت ایشان (مهسا امینی) ارائه شد معلوم شد که ضرب و جرحی در کار نبوده، ولی به هرحال هدایت ایشان به ساختمان نیروی انتظامی، باعث وارد شدن یک آسیب روحی به ایشان و نهایتاً فوت ایشان شد و عواطف مردم را برانگیخت. لاریجانی تأکید دارد که «دشمنان ایران، خفته نیستند و از این موضوع، هدف‌هایی را دنبال کردند که نتیجه آن، ایجاد آشوب و به هم ریختگی امنیتی است. در این شرایط هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به این مسأله بی‌تفاوت باشد. چون در آشفتگی، به همه ستم می‌شود و گاه طرفین در این آشفتگی، کارهایی انجام می‌دهند که خسارت‌بار است. در این ماجرا، نیروی انتظامی، بسنج و سپاه که نیروهای فداکاری هستند، خسارت دیدند، از آن طرف هم افرادی که در آشفتگی‌ها بودند، فرزندان همین کشورند و صدمه به آنها هم تأسّف برانگیز است.» او به مسأله حجاب اشاره کرده و بیان می‌کند: «وجه دیگر، مسأله «حجاب» است. این موضوعی است که بیش از حد درباره آن حرف زده می‌شود در حالی که حد امور را باید در کشور نگه داشت. یکی از آقایانی که متصدی این امر است، گفته بود ۵۰ درصد بانوان جامعه، حجاب کاملی ندارند. نمی‌دانم این حرف درست است یا خیر، اما وقتی یک امری این قدر شیوع داشته باشد، نباید با این روش‌ها با آن برخورد و پلیس را درگیر

سید حسن خمینی و ضرورت گفت‌وگو



حجت الاسلام سید حسن خمینی نوه امام (ره) نیز در این باره بیانیه‌ای صادر کرد که محتوای آن کمی متفاوت‌تر از سایر بیانیه‌هاست. او در بیانیه‌ای که ۱۱ مهرماه منتشر کرد، می‌گوید: «تردید نباید داشت که بین «اعتراض» که حق قانونی هر شهروند است، با «اغتشاش» که ریشه در دسیسه‌های دشمنان مردم دارد، تفاوت وجود دارد. اعتراض، نشان زنده بودن جامعه‌ای است که برخی از آسیب‌ها را بر نمی‌تابد، ولی آشوب و هنجارشکنی - آن هم وقتی توسط رسانه‌هایی عاری از دلسوزی برای ملت ایران بر آتش آن دمیده می‌شود - نمره‌ای جز حاکمیت افراطی‌گری و یا هرج و مرج ندارد. فراموش نکنیم که رسانه‌هایی که امروزه میدان دار ایجاد شقاق در میان ما شده‌اند یا تاریخی سراسر دشمنی با ما دارند یا از جایی ارتزاق می‌کنند که همواره ایران و ایرانی را ضعیف و زبون خواسته است.»

حجت‌الاسلام خمینی درصدد آن است که همین ابتدای امر خط خود را از مدافعان اغتشاش جدا کند و در ادامه نیز با تأکید بر لزوم گفت‌وگو می‌گوید: «شخص رهبر انقلاب اسلامی که علاوه بر جایگاه حقوقی از ویژگی‌های ممتاز اخلاقی برخوردارند و از سرآمدان روزگار خود هستند، برای همه کسانی که با معظم له از دور یا نزدیک آشنایی دارند دارای احترام ویژه‌ای هستند و برای بخش‌های بزرگی از مردم از چنان احترامی برخوردارند که توهین به ایشان مانع بزرگ هر نوع تقاهم و گفت‌وگوست. ضمن اینکه برای همه

سید محمد خاتمی:
حادثه تروریستی شیراز که به جان باختن عده‌ای از هموطنان عزیز و آسیب دیدن عده‌ای بیشتر منجر شد، نشان داد که خسونت تا چه حد می‌تواند بی‌رحم و مصیبت‌بار باشد. آنچه در جامعه ما جاری است و می‌توان ریشه‌های آن را از دیرباز جست‌وجو کرد و رو به سوی آزادی و زندگی دارد، درخور توجه است؛ ولی با کمال تأسف بروز خسونت - از هر طرف که باشد - دل‌ها را آزرده می‌کند

